

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 9, Autumn 2020, 373-393
Doi: 10.30465/crtls.2020.30580.1823

Understanding Methodological Visions of Political Science

Aliashraf Nazari*

Abstract

The manner of reading and interpreting historical texts is one of the central pillars of the methodology and history of thought. The main question in this field is how to study and understand the concepts and meanings of the thinkers in the study of the history of thought? Quentin Skinner is one of the founders of the Cambridge School of History and Political Thought, whose work is of philosophical importance, presenting new and influential ideas. Skinner considers the question of how different and conflicting perspectives are to be adapted, which can be still a central issue in contemporary political thought. He has attempted to use the traditional methods of historical research with an intentional approach, to draw attention to their differences, to reconstitute their beliefs, and to be as aware of the processes of the formation of problems and events as possible, to understand the way things are going. He hopes that by examining and evaluating the history of competing theories, he will be able to play a part in these widespread conflicts, regardless of his historical interest. This article will attempt to introduce and review the first volume of the book *Visions of Politics: On Methodology*. The importance of the critical reading of this series of articles in this book is that it now reflects his intellectual transformation as classical writings.

Keywords: Methodology, Hermeneutics, Politics, Doctrine Myth, Intentionalism.

* Associate Professor of Political Science, University of Tehran, aashraf@ut.ac.ir

Date received: 2020-05-30, Date of acceptance: 2020-10-31

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب درک بینش‌های روش‌شناختی در علم سیاست

علی اشرف نظری*

چکیده

شیوه خوانش و تفسیر متون تاریخی یکی از محورهای اصلی حوزه روش‌شناسی و تاریخ اندیشه است. پرسش محوری در این زمینه این است که در مطالعه تاریخ اندیشه چگونه می‌توان به مفهوم‌های مورد نظر اندیشمندان پی‌برد. کوئنتین اسکینر پرسش از چگونگی نحوه سازگارساختن این چشم‌اندازهای متباین را هنوز هم مسئله‌ای اساسی در اندیشه سیاسی عصر حاضر می‌داند. او تلاش کرده است با رویکردی قصدگرایانه از شیوه‌های متداول پژوهش تاریخی استفاده کند، به تمایزاتشان توجه کند، اعتقاداتشان را بازیابد، و تاجایی که ممکن است از راهی که امور می‌پیمایند سر درآورد. او امیدوار است با کندوکاو در تاریخچه نظریه‌های رقیب بتواند - غیر از علاقه تاریخی - سهمی هم در این منازعه‌های رایج داشته باشد. در مقاله حاضر، تلاش خواهد شد که ضمن معرفی جلد نخست کتاب بینش‌های علم سیاست: دریاب روش، به نقد و بررسی شکلی و ماهوی این اثر نیز پرداخته شود. اهمیت خوانش انتقادی این مجموعه مقالات در این است که اینک به‌عنوان نوشتارهایی کلاسیک بیان‌کننده تحول فکری او هستند.

کلیدواژه‌ها: روش، هرمنوتیک، سیاست، اسطوره دکتربین، قصدگرایی.

* دانشجویار علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، aashraf@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

«ما شاید آزادتر از آن باشیم که گاه تصور می‌کنیم».

اسکینر

کوئنتین اسکینر (Quentin Skinner) یکی از تاریخ‌دانان متفکر پیش‌رو جهان است و این مجموعه حاصل چهار دهه تأمل فلسفی و روش‌شناختی است. به‌رغم آن‌که نوشتارهای این سه مجلد پیش‌ازاین در قالب مقاله چاپ شده‌اند، برای چاپ در این مجموعه به‌دقت موردبازبینی قرار گرفته‌اند. اسکینر استاد برجسته تاریخ مدرن در دانشگاه کمبریج و یکی از بنیان‌گذاران مکتب کمبریج در حوزه تاریخ و اندیشه سیاسی (the history of political thought of Cambridge School) است و آثار او تاکنون به نوزده زبان ترجمه شده است. او در حال حاضر استاد علوم انسانی در مؤسسه «باربر بیومن» (Barber Beaumont) و عضو هیئت‌مدیره مرکز مطالعات تاریخ اندیشه در دانشگاه کوئین مری لندن (Queen Mary University of London) است. اسکینر پژوهش‌گر میهمان در مرکز مطالعات اروپا در دانشگاه هاروارد (۲۰۰۸)، استاد مدعو لارنس راکفلر در دانشگاه پرینستون (Harvard University) (۲۰۱۴-۲۰۱۳)، استاد میهمان مرکز اسپینوزا در دانشگاه آمستردام (۲۰۱۴)، و استاد میهمان در دانشگاه شیکاگو (۲۰۱۷) بوده است. برخی از آثار او عبارت‌اند از *بنیان‌های اندیشه سیاسی مدرن* (The Foundations of Modern Political Thought) (۱۹۷۸: دو جلد)، *ماکیاوللی* (Machiavelli) (۱۹۸۱)، *منطق و بلاغت در فلسفه‌ها* (Reason and Rhetoric in the Philosophy of Hobbes) (۱۹۹۶)، *آزادی پیش از لیبرالیسم* (Liberty before Liberalism) (۱۹۹۸)، *هابز و آزادی جمهوری خواهانه* (Hobbes and Republican Liberty) (۲۰۰۸)، و *از انسان‌گرایی تا هابز* (From Humanism to Hobbes: Studies in Rhetoric and Politics) (۲۰۱۸).

آثار پروفیسور اسکینر از حیث قدرت فلسفی، روشنی در ارائه مباحث، و جایگاه درخشان در ایجاد مناظره‌های فکری شناخته‌شده‌اند. مجموعه مقالات مندرج در کتاب *بیش‌های علم سیاست*، که اینک به‌عنوان نوشتارهایی کلاسیک هستند، بیان‌کننده ایده‌های اصلی و نحوه تحول فکری او هستند. اسکینر برنده جوایزی نظیر جایزه تاریخ و فلسفه (the Wolfson History Prize) (۱۹۷۹)، جایزه بنیامین لپینکات (the Benjamin Lippincott Award) (۲۰۰۱)، جایزه سِر آیزایا برلین انجمن مطالعات تاریخ بریتانیا (the Sir Isaiah Berlin Prize) (۲۰۰۶)، و جایزه دیوید ایستون (the David Easton Award) (۲۰۰۷) است و

در سال ۲۰۰۶ مفتخر به دریافت جایزه بالزان (Balzan Prize) در حوزه اندیشه سیاسی: تاریخ و نظریه شد و از سال ۲۰۰۹ عضو کمیته جایزه بالزان است. (<http://www.balzan.org/en/prizewinners/quentin-skinner>). مجموعه سه جلدی *بینش‌های علم سیاست (Visions of Politics)* نوشته کوئنتین اسکینر (Quentin Skinner) از سال ۲۰۰۲ به زبان انگلیسی انتشار یافته است. نشر فرهنگ جاوید جلد نخست این مجموعه را با عنوان *بینش‌های علم سیاست: دریاب روش (Visions of Politics; Regarding Method, vol. 1)* با ترجمه فریبرز مجیدی در ۲۲۰ صفحه و با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۳ ش چاپ و منتشر کرده است. محور اصلی مقاله حاضر معرفی، نقد، و بررسی جلد نخست *بینش‌های علم سیاست* با عنوان فرعی *دریاب روش* است.

۲. معرفی کتاب

کتاب *بینش‌های علم سیاست: دریاب روش* در ده فصل سامان یافته است و هریک از فصل‌های کتاب به منزله نوشته‌هایی برای تبیین یک عقیده خاص درباره شیوه خواندن و تفسیر متون تاریخی و ارائه پاسخ به منتقدان عرضه شده است. به‌زعم اسکینر، اگر قرار باشد تاریخ اندیشه را به سبکی دقیقاً تاریخی بنویسیم، باید متن‌های موردبررسی خود را درون چنان بافت فکری و چهارچوب گفتمانی‌ای قرار دهیم که بتوانیم این نکته را دریابیم که مؤلفان متون در هنگام نوشتن آن‌ها چه می‌کرده‌اند. به‌بیان‌دیگر، تأکید نویسنده بر این است که متن‌ها جنبه اجرایی یا کرداری دارند و لازم است که به‌صورت بینامتنی به بررسی آن‌ها پرداخت. نویسنده تلاش کرده است از شیوه‌های متداول پژوهش تاریخی استفاده کند تا به مفهوم‌های موردنظر آن اندیشمندان پی‌برد (رویکردی قصدگرایانه)، به تمایزاتشان توجه کند، اعتقاداتشان را باز یابد، و تاجایی که ممکن است از راهی که امور می‌پیمایند سر درآورد (اسکینر ۱۳۹۳: ۱۰-۱۱). اسکینر، با ادغان به این‌که در طی سفر به هزارتوی اندیشه‌ها نظریه‌های رقیب در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند، پرسش از چگونگی نحوه سازگارساختن این چشم‌اندازهای متباین را هنوز هم مسئله‌ای اساسی در اندیشه سیاسی عصر حاضر می‌داند. او امیدوار است با کندوکاو در تاریخچه نظریه‌های رقیب بتواند به‌غیراز علاقه تاریخی سهمی هم در این منازعه‌های رایج داشته باشد.

در فصل اول، با عنوان «مقدمه: دیدن امور آن‌گونه‌که هستند» (Introduction: Seeing Things Their Way)، این پرسش محوری مطرح می‌شود که آیا واقعیت‌های بی‌چون‌وچرایی

وجود دارد که بتوان به آن‌ها دست یافت. اسکینر با نقد این ایده که «تنها واقعیت‌ها در زندگی موردنیازند» در ابتدای این فصل می‌گوید:

یکی از یورش‌هایی که مدتی پیش به دنیای واقعیت‌ها صورت پذیرفت از جانب نظریه شناخت (theory of knowledge) بود. این پیکار را در وهله نخست کسانی به‌راه انداختند که هدفشان بی‌اعتبارساختن این اعتقاد تجربه‌گرایانه بود که جهان ما متشکل از داده‌های حسی است که می‌توان آن‌ها را مستقیماً دریافت و بدون مناقشه توصیف کرد. گزاره نیست اگر بگوییم که کار این جزم خاص تجربه‌گرا تاکنون از هر جهت به رسوایی کشیده شده است. مسلماً امروزه کسی اعتقاد ندارد که می‌توان ساختارهای شناخت مبتنی بر واقعیت را بر شالوده‌هایی بنا کرد که به نظر می‌آید کاملاً به دوری‌های ما وابسته باشند (همان: ۱۹-۲۰).

عنوان فصل دوم کار تاریخ و کیش واقعیت (The Practice of History and the Cult of the Fact) است که درباره برخی پی‌آمدهای نقد پساتجربه‌گرایانه به کندوکاو پرداخته می‌شود. قصد نویسنده در فصل دوم همانا بازبینی و زیرسؤال بردن این عقیده آشناست که «هدف درمقام مورخ باید این باشد که همه واقعیت‌های مربوط به مسئله‌ای معین را گرد آورد و آن‌ها را، تاجایی که ممکن است، به‌نحو هرچه عینی‌تر شرح دهد». به‌عبارتی، نگارنده این رویکرد را قابل دفاع نمی‌داند و می‌کوشد تا دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری را درباره رابطه میان مورخان و شواهدی که در دست دارند ترسیم کند. اسکینر می‌کوشد با نقد دیدگاه‌های «سر جفری التن» (Sir Geoffrey Elton) به‌عنوان نماینده بی‌پروای کیش واقعیت (unashamed exponent of the cult of the fact) و نقد جزئی‌نگری و استقراگرایی او از رویکردی به تاریخ اندیشه دفاع کند که با عطف‌نظر به وظیفه مورخ بیش‌تر بر تاریخ‌اندیشی مبتنی است تا پرده‌برداشتن از روی واقعیت‌هایی که می‌تواند موجب کشف حقیقت شود (همان: ۲۰-۲۲، ۳۸-۳۹).

در فصل سوم با عنوان تفسیر، عقلانیت، و حقیقت (Interpretation, Rationality and Truth)، نویسنده به بررسی مسئله مشخص‌تری درباره دنیای واقعیت‌ها می‌پردازد. پرسش اصلی این است که میان اقدامی که برای تبیین باورهای ناآشنا تدارک می‌بینیم و ارزیابی ما از صحت این‌گونه باورها چه رابطه‌ای وجود دارد. پرسش‌های دیگر این‌که آیا چنان‌که «چارلز تیلور» (Charles Taylor) ادعا می‌کند می‌توان پرسش درباره حقیقت را در پراتز قرار داد و پرسش‌های مربوط به تبیین تاریخی را از پرسش‌های مربوط به حقیقت جدا کرد؟ آیا ما درمقام مورخ می‌توانیم باورهایی را که در پی تبیینشان برمی‌آییم تأیید کنیم یا نه؟ اسکینر با

نقد دیدگاه تیلور این ایده را مطرح کند که کسی که به درک و فهم باورهای فرهنگ‌های بیگانه یا جامعه‌های قدیمی‌تر علاقه دارد، نمی‌تواند از آن چشم‌پوشد و نمی‌توان حقیقت را در پراتز قرار داد؛ زیرا هنگامی که چنین باورهایی را بررسی می‌کنیم غالباً درمی‌یابیم که آن‌ها نه فقط ناآشنا نیستند، بلکه در بسیاری از موارد آشکارا نادرست به نظر می‌رسند.

عنوان فصل چهارم که طولانی‌ترین و جدی‌ترین فصل کتاب نیز هست معنا و فهم در تاریخ اندیشه (Meaning and Understanding in the History of Ideas) است. نویسنده می‌کوشد تا با نقد دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک که قائل به وجود نوعی «حکمت جاودانه» در قالب اندیشه‌ای جهان‌شمول و فارغ از ابعاد زمانی بودند درباره اهمیت این تحولات برای مورخان فلسفه و مورخان اندیشه‌کنندو کاو کند. از نظر اسکینر، یکی از مخاطرات در تفسیر قائل‌شدن به برجسی به عنوان اسطوره‌شناسی دکترین‌ها (آموزه‌ها) است. بدین معنا که تصور شود که هر نویسنده کلاسیک (مثلاً درزمینه تاریخچه نظریه اخلاقی یا سیاسی) به هریک از مباحثی که پرداخته است آموزه اساسی‌ای در آن ارائه کرده است که باید آن را یافت.

اسطوره‌شناسی به چندین شکل ظهور می‌کند: نخست، این خطر وجود دارد که برخی از اظهارنظرهای پراکنده و اتفاقی یک نظریه‌پرداز کلاسیک به «آموزه» وی درزمینه یکی از مضمون‌های موردانتظار بدل گردد. این امر به‌نوبه خود موجب می‌شود که دو نوع خاص بی‌معنایی تاریخی به وجود آید. یکی از آن دو بیش‌تر مختص زندگی‌نامه‌های فکری و تاریخچه‌های خلاصه‌شده اندیشه است که در آن‌ها تمرکز بر روی یکایک اندیشمندان (یا گروهی از آنان) است. دیگری بیش‌تر مختص «تاریخچه‌های اندیشه‌ها» است که در آن‌ها توجه روی خود پیدایش «اندیشه واحد» متمرکز می‌شود... [دوم آن‌که] علاوه بر این امکان خام، که معنایی به نویسنده‌ای نسبت داده شود که او نمی‌توانسته قصد انتقال و القای آن را داشته باشد، این خطر بی‌سروصداتر وجود دارد که گمان رود آموزه‌های موردانتظار را می‌توان به‌نحوی بسیار آسان در متن‌های کلاسیک پیدا کرد (همان: ۱۱۳-۱۱۶).

این دومی را اسکینر اسطوره هم‌سازی و انسجام (consistent) می‌نامد و «وظیفه مفسر این خواهد بود که هم‌سازی درونی آموزه او را کشف کند. یعنی متن‌هایی چون لویاتان را بارها و بارها بخواند تا آن‌که عبارت روشن‌گری بیابد که در آن استدلال «به انسجام رسیده باشد» (همان: ۱۲۶-۱۲۷).

فصل پنجم با عنوان انگیزه‌ها، نیت‌ها، و تفسیر (Motives, Intentions and Interpretation) به ارائه تمیزی برای روشن‌سازی زمینه و ارائه بحث درباره قصدیت و تفسیر متون با هدف یافتن کوره‌راهی در این مسیر صعب می‌پردازد. منظور از روشن‌سازی زمینه این است که متن‌های مورد بررسی را در آن زمینه‌های فکری‌ای قرار دهیم که این امکان را می‌دهند از آنچه مؤلفانشان با نوشتن آن‌ها انجام می‌دادند سر درآوریم. البته، این تعبیر به معنای ورود به فرایندهای اندیشه‌ای متفکرانی نیست که مدت‌ها پیش در گذشته‌اند، بلکه به معنای تلاش برای بهره‌گیری از فنون عادی پژوهش و درک تمایزات آن‌ها، فهم باورهایشان، و امور است آن‌چنان‌که بوده‌اند. بنابراین، محور اصلی بحث درباره نحوه بازیافتن انگیزه‌ها و نیت‌های مؤلفان نسبت دادن معانی خاص به گفته‌های ایشان و درباره متمایز کردن استنباط‌های پذیرفتنی از استنباط‌های غیرقابل‌پذیرش متون ادبی و فلسفی است (همان: ۱۶۳).

نویسنده در فصل ششم به تفسیر و درک کنش‌های گفتاری (Interpretation and the Understanding of Speech Acts) می‌پردازد (همان: ۱۸۳). او در این فصل می‌کوشد تا رویکرد خود را در مورد تفسیر مطرح کند و به تعدادی از اعتراض‌هایی که به آن وارد شده است پاسخ دهد. در این مسیر، بازآفرینی آنچه نویسندگان در گذشته انجام داده‌اند از طریق توجه به دو بعد زبان قابل‌درک است؛ بعد معنا، یعنی بررسی مضامین و اشاراتی که به واژه‌ها و جمله‌ها نسبت داده می‌شود و بعد کنش زبانی (به تعبیر آستین) که عبارت است از مطالعه حوزه اموری که سخن‌گویان می‌توانند با استفاده از جمله‌ها و واژه‌ها انجام دهند و جدی گرفتن این باور است که «واژه‌ها عمل نیز هستند». ایده اصلی اسکینر این است که مفاهیم را نه با تکیه کردن بر معانی فرضی یا ظاهری واژه‌ها به صورت منفرد، بلکه باید از طریق بررسی رابطه آن‌ها با یک‌دیگر و با شبکه گسترده‌تر باورها و کاربردها در صورت‌های خاص زندگی روشن ساخت. اسکینر با ممکن دانستن درک و تشخیص معانی بین‌الذهانی می‌نویسد:

مهم‌ترین خواست یا آرمانی که زیربنای روش توصیف‌شده مرا تشکیل می‌دهد آن است که ما را قادر سازد تا هویت تاریخی یکایک متن‌ها را در تاریخ اندیشه بازیابی کنیم. هدف این است که چنین متن‌هایی به نوشته‌هایی در پیش‌برد گفتمان‌هایی خاص در نظر گرفته شوند، و در نتیجه، راه‌هایی تشخیص داده شوند که در آن‌ها متن‌ها واژه‌های قراردادی خود آن گفتمان‌ها را سرمشق قرار داده‌اند یا به‌چالش خوانده‌اند [کشیده‌اند] یا برانداخته‌اند. به بیان کلی‌تر، هدف عبارت است از بازگرداندن متن‌های خاصی که

مطالعه می‌کنیم به زمینه‌های فرهنگی دقیقی که متن‌ها از آغاز در آن شکل گرفته‌اند (همان: ۲۱۶).

عنوانی که برای فصل هفتم برگزیده شده است معنای اجتماعی و تبیین عمل اجتماعی (Social Meaning and the Explanation of Social Action) است. در این فصل، نویسنده تلاش کرده است تا فرایندهای تبیین علی برای کنش‌های اجتماعی را در چهارچوب نظریه طبیعت‌گرایی و نقدهای ایرادشده به این نظریه موردبحث قرار دهد. منتقدان نظریه طبیعت‌گرایی - در چهارچوب سه دیدگاه هرمنوتیکی، پدیدارشناختی، و زبان‌شناختی بر وجوه متمایز مطالعات انسانی، که عبارت است از توجه به جهانی که برای کنش‌گران دخیل در آن معنایی دارد، تأکید می‌کنند که هدف علوم انسانی باید رسیدن به درکی روشن‌بینانه درباب معنا در کنش‌های اجتماعی باشد (همان: ۲۲۱-۲۲۲). از آنجایی که کردارهای روزیافته در حوزه روابط انسانی واجد معنا و محتوای خاص فرهنگی خود هستند، پژوهش‌های اجتماعی باید هدف خود را فهم و بازتفسیر معنادار اعمال و کنش‌های اجتماعی بدانند. «سیاست نمادی، خاطره جمعی، و زمینه اجتماعی سیاست، که همه اساساً مؤلفه‌های اراده‌گرایانه هستند» (فورن ۱۳۸۲: ۱۶۷).

نظریه‌های تفسیری با تفاوت قائل شدن میان «تبیین» (explanation) و «تفهم» (understanding) چنین بیان می‌کنند که تبیین به دست دادن علت‌های عام وقوع یک حادثه است، درحالی‌که تفهم تلاش برای کشف معنای حوادث و کنش‌هایی است که در یک زمینه خاص اجتماعی بروز یافته‌اند (لیتل ۱۳۷۳: ۱۱۰-۱۱۳). از نظر «ماکس وبر» (Max Weber)، تفهم عبارت است از این‌که «خویشتن را جای عامل یا عاملان اجتماعی گذاشت و بدین ترتیب عمل تاریخی یا اجتماعی را از درون احساس کرد» (منوچهری ۱۳۷۵: ۲۶). ضرورت تفهم در این نکته نهفته است که محرک یا عامل اساسی در رفتار انسان‌ها دنیای خاص ارزشی آن‌هاست و بدون توجه به ارزش‌های انسانی شناخت رفتار آن‌ها ناممکن است (Brown and Yule 1983: 9-10). این استدلال ما را به‌طور مستقیم وارد مناقشه اصلی مطرح در علوم اجتماعی می‌کند که بسیاری آن را به‌مثابه عقب‌نشینی از اثبات‌گرایی تلقی خواهند کرد. اثبات‌گرایان با تمایز قائل شدن میان واقعیات و ارزش‌ها بر نوعی عینیت‌گرایی فارغ از ارزش‌گذاری تأکید می‌کنند؛ درحالی‌که در نظریه‌های تفسیری چنین استدلال می‌شود که واقعیت و ارزش درهم تنیده شده‌اند و هر نوع شناخت تابعی از توصیف (عینیت‌گرایی) و ارزش‌گذاری است (White and Moon 2004: 12-15).

هر کنشی که در جامعه اتفاق می‌افتد مسبوق به جهت‌گیری‌ها، ارزش‌گذاری‌ها، و نیاتی است. جامعه مجموعه‌ای از کنش‌هاست که برای فهم کنش و عمل باید دید چه نیست و منظوری در پس این کنش‌ها وجود داشته است (وینچ ۱۳۷۲: ۱۰۹). به‌طور کلی، در این راه‌برد واقعیت اجتماعی هم‌چون برساخته اجتماعی کنش‌گران اجتماعی تلقی می‌شود و معرفت علم‌الاجتماعی را مأخوذ از معانی و مفاهیم روزمره و معرفت دوجانبه را برساخته اجتماعی قلمداد می‌کند. این راه‌برد دو مرحله دارد:

توصیف این فعالیت‌ها و معانی آن؛ مشتق کردن مقوله‌ها و مفاهیمی که می‌توانند شالوده فهم یا تبیین موردنظر باشند. راه‌برد استفهامی می‌کوشد از ره‌گذر زبان روزانه دانش و معرفتی را کشف کند که کنش‌گران اجتماعی در تولید، بازتولید، و تفسیر پدیده موردپژوهش به‌کار می‌برند. به‌دنبال آن، این تعبیر روزمره با تعبیری علم‌الاجتماعی بازتوصیف می‌شود و شاید به تبیینی داده‌نگر تبدیل شود (بلیکی ۱۳۸۹: ۲۱-۲۵).

اصول اخلاقی و تغییر اجتماعی (Moral Principles and Social Change)، عنوان فصل هشتم کتاب است. اسکینر درباره این فصل می‌نویسد: «در فصل هشتم کوشیده‌ام با اشاره به نمونه تاریخی مشخص وابستگی عمل اجتماعی به توصیف‌های هنجارمندی را که برای موجه جلوه‌دادن رفتارمان در دست‌رس ما قرار دارند تشریح و روشن کنم» (اسکینر ۱۳۹۳: ۲۶). از این منظر، بسیاری از مفاهیم اخلاقی با هدف ایجاد مشروعیت مورد استفاده قرار می‌گیرند. چنان‌که نخستین سرمایه‌داران به‌واسطه آن‌که در فضای اخلاقی که خود را در آن می‌یافتند فاقد مشروعیت بودند نیاز داشتند که برای موجه جلوه‌دادن رفتارشان از واژه‌هایی که در مذهب پروتستان بار ارزشی داشت بهره‌گیرند.

واژگان اخلاقی مختص آیین پروتستان نه تنها موجب گردید که قابلیت پذیرش نظام سرمایه‌داری افزایش یابد، بلکه به‌احتمال زیاد در سوق‌دادن سیر تکامل آن در مسیرهای خاص، و به‌ویژه در جهت نوعی اخلاق مبتنی بر سخت‌کوشی و تلاش، یاری‌بخش بود (همان: ۲۶۶).

در فصل نهم با عنوان ایده واژه‌نامه‌ای فرهنگی (The Idea of a Cultural Lexicon)، با محور قراردادن پیوندهای میان دگرگونی زبانی و تغییرات اجتماعی نوعی سنخ‌شناسی از راه‌بردهای موجود را به‌دست می‌دهد که جهان اجتماعی ما را چنان از نو توصیف می‌کنند که ارزیابی مجدد آن را هم شامل می‌شود. پرسش اصلی در این فصل این است که از طریق بررسی کلیدواژه‌هایی که برای ساختن و ارزیابی جهان اجتماعی به‌کار می‌بریم درصدد

آموختن چه چیزهایی درباره فرایندهای توجیه‌گری و نوآوری اجتماعی هستیم؟ اسکینر با بهره‌گرفتن از ایده‌های «ریموند ویلیامز» (Raymond Williams) در کتاب *کلیدواژه‌ها* (Keywords) این ایده را محور قرار می‌دهد که ممکن است آشنفنگی‌های معنایی به ما کمک کند تا درکمان را درباره مطالب مربوط به ماهیت مسائل تاریخی و حال حاضر بهبود ببخشیم. مجموعه مشترک کلمات ما نه تنها راه‌های بحث‌کردن بلکه در سطحی دیگر راه‌های دیدن بسیار از تجربه‌های اصلی ما را روشن می‌سازد. ما از طریق مفاهیمی که در اختیار داریم، ادراک خاصی در رابطه با جهان پیدا می‌کنیم، تمایزهایی را برقرار می‌کنیم، و طبقه‌بندی‌هایی را می‌پذیریم (همان: ۲۶۹-۲۷۰).

عنوان فصل دهم، بازپس‌نگری: بررسی فن خطابه و تغییر مفهومی (Retrospect: Studying Rhetoric and Conceptual Change) است و به پژوهشی مفصل‌تر در باب راه‌کارهای خطابی مشخصی می‌پردازد که این وظایف ایدئولوژیک را به وسیله آن‌ها می‌توان به‌اجرا در آورد (همان: ۲۹۵). نگارنده برخی مسائل مربوط به شیوه‌های پرداختن به متون را مطرح می‌کند و سهم خود را در این بحث به بررسی یک حوزه جزئی و خاص درباره راه‌کارهای خطابی محدود می‌کند؛ یعنی فنونی که به بهره‌گیری از قدرت کلمات برای تقویت یا تضعیف ساختار دنیای اجتماعی ما مربوط می‌شوند. آشنایی با گذشته می‌تواند ما را یاری دهد تا بفهمیم که ارزش‌های تجسم‌یافته در شیوه زندگی کنونی ما و شیوه‌های اندیشیدن کنونی ما درباره آن ارزش‌ها تا چه حد منعکس‌کننده مجموعه‌ای از گزینش‌هایی است که در زمان‌های گوناگون میان جهان‌های ممکن گوناگون صورت پذیرفته‌اند و، برخلاف تصور، کارکرد و نقش آن‌ها متحول شده است. چنان‌که برای مثال شاهد بوده‌ایم که واژه میهن‌دوست (patriot) در طول قرن هجدهم در انگلستان بر «آشوب‌گر حکومت‌برانداز» (factious disturber of the government) دلالت داشت، اما با پذیرش تدریجی سیاست‌ورزی حزبی، این کاربرد سرزنش‌آمیز رو به تضعیف نهاد و بار معنایی تحسین‌آمیزی یافت (همان: ۲۸۴-۲۸۵).

۳. نقد و ارزیابی اثر

۱.۳ نقد شکلی

نسخه فارسی کتاب بینش‌های علم سیاست از حیث صفحه‌آرایی، رعایت قواعد نگارشی، حروف‌چینی، و صفحه‌آرایی به‌صورتی مطلوب و شایسته به‌زیور طبع آراسته شده است.

طرح روی جلد کتاب نیز همان طرح جلد نسخه انگلیسی است که کاملاً با محتوای اثر متناسب است. نکته ارزش‌مندی که در این کتاب دیده می‌شود دقت نظر در ویرایش علمی - ادبی و پرهیز از ورود اغلاط تایپی به نسخه فارسی کتاب است.

فریبرز مجیدی نیز یکی از مترجمان پیش‌کسوت در حوزه روش‌شناسی است که پیش از این کتاب برجسته‌ترین ترجمه او را می‌توان کتاب *ساخت اجتماعی واقعیت* (۱۳۷۵) دانست. تعدادی از کتاب‌های انتشاریافته این مترجم عبارت‌اند از *دموکراسی* (۱۳۷۴)، *تکامل فرهنگ* (۱۳۷۹)، *زندگی‌نامه استوارت میل* (۱۳۸۰)، *مفهوم ایدئولوژی* (۱۳۸۰)، و *فلسفه در عمل* (۱۳۸۲؛ چاپ پنجم ۱۳۸۵). به‌رغم اذعان به این‌که نسخه فارسی کتاب بیش‌های علم سیاست با دقت و امانت‌داری کامل ترجمه شده است، برخی اشکالات نیز وجود دارد که می‌تواند در چاپ بعدی رفع شود:

چون و چراناپذیری در ص ۱۹، که بی‌چون و چرابودن معمول‌تر است.

در ص ۱۹، یک اشکال نگارشی رخ داده است: آیا واقعیت‌های چون و چراناپذیری وجود دارند که بتوان به آن‌ها دست یافت. که علامت پرسش «؟» نیامده است.

در ص ۲۲ بیش‌تر و در ص ۹۶، بیش‌تری آمده که براساس رسم‌الخط‌های موجود، نگارش آن به‌صورت بیش‌تر و بیش‌تری معمول است.

در ص ۲۴، فلسفه عمل به‌عنوان معادل *philosophy of action* آمده که با توجه به فحوای روش‌شناختی بحث و سخن‌گفتن از امکان آگاهی‌یابی و نیت‌مندی معطوف به اقدام آگاهانه و خلاق فلسفه کنش دقیق‌تر است.

در ص ۳۲ کار تاریخ به‌عنوان معادل *the practice of history* که کنش تاریخ‌پیش‌نهاد می‌شود. در این‌جا، مفهوم کنش ناظر بر نوعی آگاهی‌یابی توأم با عمل است که کنش را بازنمایی می‌کند و در چهارچوب نوعی پراکسیس سازنده تاریخ است.

چارلز تیلر به‌عنوان معادل *Charles Taylor* در ص ۶۱، که چارلز تیلور معمول‌تر است.

استیون لیوکس به‌عنوان معادل *Steven Lukes* در ص ۶۷ که استیون لوکس درست است.

صفت *virtù* به همان صورت لاتین در نسخه فارسی آمده که معادل دقیق آن، قدرت، اراده، عمل، و مردانگی (نظری ۱۳۹۵: ۸۸) است. از این دیدگاه، قدرت لازمه زندگی سیاسی به‌شمار می‌رود و سیاست منازعه‌ای است میان قدرت، اراده، عمل، و مردانگی

(virtue) از یک‌سو، و نیروی مقاومت‌ناپذیر و غیرقابل‌پیش‌بینی بخت و تصادف (fortune) از سوی دیگر. «مفهوم لیاقت [اراده] بیان‌گر به‌کار بستن ضرورت‌ها برای توفیق سیاسی و نظامی و مفهوم بخت نشان‌دهنده نیروی اتفاق است که فرد دارای لیاقت باید برای رسیدن به هدف از آن استفاده کند» (جهان‌نگلو ۱۳۷۷: ۱۳-۱۴). منشأ قدرت را باید در رابطه دیالکتیکی لیاقت (اراده) و بخت جست. آموزه اصلی کتاب شهریار چنین است:

فضیلت مرد بزرگ در آن است که بتواند به ساختار خاص میدان عمل نیروها که قدرت در آن به‌کار می‌رود توجه دقیق داشته باشد و بین‌گرایش‌های بزرگان [اقلیت] (حکومت و سرکوبی) و امیال مردم (فرمان‌بردن و سرکوب‌نشدن) به‌کمک نیرو، هوش، و صلابت منش خویش طوری رفتار کند که جاه‌طلبی و میل به پیروزی او با استقرار دولت پایدار در اوضاعی اضطراری، که هیچ‌گاه نمی‌توان قدرت را کاملاً به‌دست‌آمده دانست، بلکه پیوسته باید آن را از نو ساخت هماهنگ باشد (اسپکتور ۱۳۸۲: ۱۹۶).

در ص ۱۶۵، واژه بازیافت‌ناپذیری به‌عنوان معادل irrecoverability آمده است که عدم امکان بازیابی پیش‌نهاد می‌شود؛ زیرا بازیافت‌ناپذیری در زبان فارسی چندان مصطلح نیست. در ص ۱۸۲، امور خیالی اجتماعی به‌عنوان معادل the social imaginary آمده است که تصورات اجتماعی پیش‌نهاد می‌شود. تفاوت امر خیالی با امر تصویری است که اولی بیش‌تر مبتنی بر وهم است، در حالی که دومی بیان‌گر برداشت‌هایی است که ما از واقعیت داریم؛ یعنی آن چیزی که از طریق نحوه بازنمایی ما از واقعیت بر ساخته می‌شود. در ص ۲۷۸، پل فایرابنت (Paul Feyerabend) آمده که پل فایرابنت درست است.

۲.۳ نقد ماهوی

کتاب بینش‌های علم سیاسی: دریاب روش اثری جدی و پیچیده است که مطالعه آن نیازمند دانشی مقدماتی در حوزه روش‌شناسی است. بنابراین، کسانی می‌توانند بیش‌تر از مطالب کتاب استفاده کنند که در حوزه روش واجد دانشی پایه باشند. مباحث ارائه‌شده در کتاب بر پایه این فرض نگارش یافته است که خواننده به‌طور نسبی با اندیشه‌های اسکینر آشناست و به طرح مفاهیم و تحلیل‌های مقدماتی نیاز نیست. به‌رغم اهمیت محتوای این کتاب برای استادان، دانشجویان، و علاقه‌مندان حوزه روش‌شناسی برخی **نقدهای ماهوی** قابل‌ایراد به این اثر چنین هستند:

اسکینر در این اثر بارها از موضعی غیرمنصفانه، توأم با عصبانیت و پرخاش، دیدگاه‌های منتقدان خود - نظیر سر جفری التن و چارلز تیلور - را با دیده تردید نگریسته و بی آن‌که دقیقاً استدلال‌ها و پاسخ‌های احتمالی آن‌ها را ارائه کند به رد آن‌ها پرداخته است. چنان‌که این واکنش انتقادی در فصل چهارم به اوج خود می‌رسد و در نقد نظریه‌پردازان کلاسیک نظیر تفسیرگرایی ماندلبام (Mandelbaum)، کاتلین (Catlin)، یاسپرس (Jaspers)، نلسون (Nelson)، مورفی (Murphy)، و مک‌کای (McCoy) می‌نویسد:

این باور که از نظریه‌پردازان کلاسیک می‌توان انتظار داشت که درباره مجموعه معینی از مفهومی‌های بنیادین 'اظهار نظر کرده باشند، به نظر من، موجب پیدایش یک سلسله اندیشی‌ها و یاوه‌گویی‌های تفسیرگرایانه شده است که تاریخ اندیشه را مدت‌های طولانی با مشکل مواجه ساخته‌اند (اسکینر ۱۳۹۳: ۱۱۰).

فصول مختلف کتاب، پیش از تدوین در این کتاب، به صورتی مستقل پیش‌ازاین چاپ شده‌اند. از این رو، اسکینر در این کتاب صرفاً نوشتارهای منفصل و منفرد خود را تدوین کرده و ایده جدیدی ارائه نکرده است. این مسئله موجب شده است که تاکنون و پس از گذشت هفده سال از چاپ نخست به زبان انگلیسی تجدیدچاپ نشود. هم‌چنین، برخی از فصول نظیر فصل هفتم به لحاظ محتوایی تناسبی با خط سیر بحث‌های ارائه‌شده در فصول پیشین ندارند و عمق کم‌تر و مبنای تحلیلی ضعیف‌تری دارند. فقدان یک نتیجه‌گیری نهایی نیز این مشکل را مضاعف ساخته است.

مسئله دیگر ابهام در نحوه کاربست روش‌شناسی اسکینر در فهم متون سیاسی است. این‌که چگونه می‌توان به نحوی انضمامی مفاهیم مندرج در یک متن کلاسیک را به نحوی بینامتنی تفسیر کرد. به صورتی که هم قصد نویسنده روشن شود و هم مفاهیم به‌کاربرده‌شده در رابطه با نحوه کارکردشان در آن برهه زمانی درک شود. به‌رغم تلاشی که اسکینر برای اولویت‌دادن به فهم زمینه‌مند متن و قصد مؤلف دارد، نمی‌تواند سنجه‌ای در اختیار ما قرار دهد که براساس آن بتوانیم نیت و مقصود مؤلف را دریابیم. مسئله محوری در این جا این است که بیش از ۱۵۰ سال پیش جان استوارت میل (John Stuart Mill) در رساله مشهورش با عنوان *نظام منطقی (System of Logic)* که درباره روش در علوم اجتماعی است، بحثی مفصل درباره «نام‌ها» (Names) ارائه کرد. نام‌ها که بیش‌تر به‌عنوان مفاهیم شناخته می‌شوند، به ما اجازه می‌دهند تا جهان را از طریق شناسایی مجموعه‌ای از پدیدارها و مقولات به شیوه‌ای نظام‌مند درک و تجزیه و تحلیل کنیم. سرانجام، برساختن مفهوم موجب توسعه

نظریه‌ها درباره جهان پیچیده‌ای پیرامون ما و ارزیابی آن نظریه‌ها برپایه شواهد تجربی می‌شود (3: Mazur and Goertz 2008). اگر از این موضع به تفکر سیاسی بنگریم، مفاهیم یکی از مهم‌ترین نمادها برای بازگویی واقعیت و انتقال تجارب انسانی در حوزه امر سیاسی هستند. مفاهیمی نظیر سیاست، عدالت، آزادی، و نوع‌دوستی شکل انتزاعی یا تجریدی واقعیت محسوب می‌شود که تعریف یا استنباط ما را از یک پدیده یا شیء، واقعه، و غیره منعکس می‌کنند. «مفهوم مانند نمادهای دیگر امری انتزاعی است به معنای چیزی که بر یک شیء دلالت می‌کند (تجسم یک شیء) و یا به معنای یکی از ویژگی‌های شیء و یا یک پدیده رفتاری است» (فرانکفورد و نجمیاس ۱۳۹۰: ۴۴).

در تعبیر نهایی می‌توان گفت که مفاهیم به مثابه ابزار شناختی ما در پیوند با واقعیت بعدی هنجاری دارند که جهان پیرامون را برای ما فهم‌پذیر می‌کنند. آگاهی ما از رخدادها و امور سیاسی نه از طریق واقعیت (آنچه واقعاً وجود دارد *as it true* یا شاید وجود داشته باشد)، بلکه از طریق تدوین و پالایش مفاهیمی است که در فهم آن پدیده به ما کمک خواهند کرد. مسئله اصلی در این چهارچوب بازشناسی تلقی‌های مفهومی متفاوتی است که به تأثیر از رویکردهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی شکل می‌گیرند. در این معنا، آگاهی را می‌توان اندیشه‌هایی درباره این مسئله دانست که ما چه ادراک یا دریافتی از جهان داریم و چگونه آن را از طریق مفاهیم بیان می‌کنیم. به تعبیر بهتر، از آنجایی که مفاهیم و الگوهای فکری ما به تأثیر از زمینه‌ای است که در آن رشد کرده‌ایم، ضرورت دارد مسئله تعیین یا نحوه وجودیافتن اندیشه و آگاهی در ارتباط با هستی اجتماعی انسان مورد توجه قرار گیرد (بنگرید به برگر و لوکمان ۱۳۷۵: ۱۰-۱۲). شاید از این لحاظ خواندن جلد دوم و سوم این مجموعه، که به بحث درباره اندیشه‌های ماکیاوولی و هابز اختصاص دارد، بتواند راه‌گشا باشد.

ابهام یا اشکال دیگر روش‌شناسی اسکینر نفی هرگونه سؤال اساسی یا مفهوم پایدار در تاریخ اندیشه بشری و به‌طور خاص در تاریخ اندیشه‌های سیاسی و فلسفی است. نتیجه این بخش از دیدگاه اسکینر ترویج نوعی تاریخ و ذهن‌گرایی نسبی‌گرایی فردی است که براساس آن تنها پاسخ‌های فردی به سؤالات فردی وجود دارد و نه تنها در طول تاریخ بشری بلکه حتی در هر دوره تاریخی و در هر جامعه خاص به تعداد اندیشمندان و نویسندگان آن دوره و آن جامعه پرسش و پاسخ وجود دارد و به همین میزان نیز فهم و برداشت متفاوت و متعددی از مفاهیم و واژگان مورد استفاده وجود دارد. حاصل کار آن‌که برپایه چنین دیدگاهی به لحاظ منطقی امکان دستیابی به دانش مشترک درباره امر معین که پایه و اساس هر نوع تفاهم و

همدلی است دشوار و یا حتی منتفی می‌گردد. این درحالی است که چنان‌که متفکران دیگری هم‌چون لئو اشتراوس نیز مطرح کرده‌اند، از ابتدای تاریخ تاکنون بشر با بعضی پرسش‌های اساسی و مفاهیم پایدار مواجه بوده و فیلسوفان و متفکران در ادوار و جوامع مختلف سعی کرده‌اند به آن‌ها پاسخ متقنی ارائه دهند و درواقع تاریخ اندیشه عبارت است از پاسخ‌های بشر به چنین سؤالاتی (مرتضوی ۱۳۸۶: ۱۸۸).

مسئله دیگر این است که درک ما از درستی یا نادرستی آن‌ها در کوشش‌هایمان برای تبیین آن‌ها چه نقشی باید ایفا کند. پاسخی که در این زمینه نفوذ زیادی داشته است می‌گوید که چون باورهای نادرست بر نارسایی‌های استدلال دلالت دارند لازم است که حقیقت‌داشتن یا نداشتن باورهای مورد مطالعه را هم‌چون راه‌نمایی قطعی در توضیح علل پذیرفته‌شدن این باورها لحاظ کنیم. هدف اصلی اسکینر اثبات این نکته است که این رویکرد اگرچه اغلب اوقات توصیه می‌شود، برای پرداختن به کار صحیح تاریخ‌نگاری بسیار مخرب است و درعوض از این عقیده دفاع می‌کند که مفهوم حقیقت ربطی به عمل تبیین باورها ندارد.

این دیدگاه امروز از دو موضع نزدیک به هم مورد نقد قرار گرفته است: از یک سو، متفکرانی نظیر ج. ل. آستین و جان سرل با طرح ایده ماهیت ارتباطی زبان، از سوی دیگر، به پژوهش در زمینه کاربرد واژه‌ها در مقابل معانی واژه‌ها پرداختند. از سوی دیگر، گرایش برخی از زبان‌شناسان نظری به بازبینی مفهوم معنا در رابطه با این امر پرداختند که می‌پرسیم منظور کسی از گفتن سخنی یا انجام دادن کاری ممکن است چه بوده باشد؟ این مطالعه مرتبط نیز موجب شد که مسیر توجه از «معانی» تغییر کند و به مسائلی درباره کنش‌گری یا عاملیت (agency)، نحوه کاربرد (usage)، و به‌طور خاص قصدیت (intentionality) معطوف شود (اسکینر ۱۳۹۳: ۲۱). اسکینر در این رابطه می‌نویسد:

دنیای واقعیت‌ها، گذشته‌از آن‌که مورد حمله شناخت‌شناسان قرار گرفته است، در دوران اخیر بر اثر پیشرفت‌های حاصل در نظریه معنا دست‌خوش تضعیف و تزلزل شده است. پیش‌فرض اصلی فلسفه‌های پوزیتیویستی زبان این بود که همه گزاره‌های معنادار باید حتماً به امور واقع اشاره داشته باشند و در نتیجه معانی جمله‌ها را باید با روش تحقیق درباره صدق دعوی‌های مندرج در آن‌ها تعیین کرد. کواین بر کل این رویکرد سایه‌تردید افکند و اصرار داشت که چنین «اخبار بی‌رنگ و لعابی» برای گزارش دادن وجود ندارند. ویتگنشتاین نیز همین عقیده را داشت، وی نخست بر شیوه‌های چندگانه بهره‌گیری از زبان تأکید می‌ورزید، و سپس در ادامه کار استدلال کرد که باید از پرسیدن

درباره «معانی» کلمات دست برداریم و در عوض بر نقش‌های گوناگونی که آن معانی می‌توانند در بازی‌های مختلف زبانی ایفا کنند تأکید گذاریم (همان: ۲۰-۲۱).

البته، اسکینر با پیش‌کشیدن نقدهای ایرادشده در رابطه با درک نیت مؤلفان، نیت‌ها، و معانی متون، سه برداشت مختلف را در مورد «معنا» از هم متمایز می‌کند: نخستین برداشت این است که پرسیدن درباره معنا ممکن است معادل طرح این پرسش باشد که در متنی معین کلمات چه معنایی دارند، یا برخی از کلمات یا جمله‌های خاص چه معنایی می‌دهند؟ متفکرانی نظیر «ویمست» (Wimsatt) و «بیردزلی» (Beardsley) به‌نماینده‌گی از مکتب نقد نو (New Criticism) اعلام کرده‌اند که طرح ایده درک نیت مؤلف به‌عنوان راه‌نمایی برای امکان بازیابی یا کشف معنای یک متن ادبی نه قابل‌دست‌رس و نه مطلوب است؛ زیرا واژه‌هایی که ما به‌منظور دلالت بر چیزها به‌کار می‌بریم فاقد معنایی ثابت‌اند. در همین چهارچوب، «رولان بارت» (Barthes Roland) و «میشل فوکو» (Michel Foucault) با اعلام مرگ مؤلف حمله‌ای به‌مراتب سهمگین‌تر به ایده‌انگیزه‌ها و نیت‌مندی وارد شد. «ژاک دریدا» (Jacques Derrida) نیز با به‌چالش‌کشیدن ایده «کلام‌محوری» (metaphysics of presence)، یعنی اعتقاد به این‌که معانی از جهان ریشه می‌گیرند و به‌واسطه قابلیت واژه‌ها در دلالت‌کردن بر چیزها به ذهن انتقال می‌یابند، امکان بازیابی معنا را منتفی دانست. دریدا به‌تأثیر از «هایدگر» (Heidegger) با طرح مفهوم «متافیزیک حضور» این‌پندار را که به حقیقت جهان می‌توان دست یافت و از طریق زبان دلالت‌گر نزد ذهن حاضر ساخت به‌چالش کشید. دست‌رس‌ناپذیر بودن چنین معناهایی ناشی از این واقعیت است که واژه‌هایی برای دلالت بر اشیا و امور به‌کار می‌بریم، نه تنها به‌صورت تک‌معنایی بر چیزها دلالت نمی‌کنند، بلکه از آن‌چه به ظاهر مدلول است آن‌قدر فاصله می‌گیرند که معانی در حالتی از بازادی آزادانه به عرصه وجود می‌آیند. معانی اظهارشده چنین دلالت‌گرهایی تا جایی پس‌افکنده می‌شوند که سرانجام ناپدید می‌شوند و حالتی از بینامتنیت ناب (pure intertextuality) جایشان را می‌گیرد (همان: ۱۶۴-۱۶۶).

در دومین برداشت، این پرسش مطرح می‌شود که این متن برای من چه معنایی دارد؟ طرف‌داران این دیدگاه نظیر «پل ریکور» (Paul Ricoeur)، «استنلی فیش» (Stanley Fish) و «ولفگانگ آیزر» (Wolfgang Iser) در چهارچوب رویکردی پدیدارشناختی و خواننده‌محور (Reader-Response) دیدگاه‌های خود را ارائه کرده‌اند. در این برداشت، مفسران باید بیش‌تر توجه‌شان را بر فهم معانی مندرج در متن متمرکز کنند تا معناهایی که پدیدآورندگان اصلی مدنظر داشته‌اند. «در نتیجه، عمل تفسیر به‌عنوان سرچشمه متن‌ها، واقعیت‌ها، مؤلفان، و

نیت‌ها تعبیر می‌شود؛ یگانه معنایی که می‌توانیم امید به بازیابی آن‌ها داشته باشیم معنایی هستند که ما می‌آفرینیم» (همان: ۱۶۷).

در برداشت سوم، این پرسش محور بحث قرار می‌گیرد که نویسنده از آن‌چه در متن معینی می‌گوید چه منظوری دارد؟ آن‌چه در پاسخ به این پرسش مورد توجه متفکرانی نظیر دریدا قرار می‌گیرد این است که ما قادر به بازیابی معانی متن‌ها براساس منظور نویسنده نخواهیم بود و از این‌که او چه منظوری ممکن است داشته باشد هیچ تصویری نداریم (همان: ۱۶۸-۱۶۹). البته اسکینر بیش‌ترین هم‌دلی را با این بینش دارد و با برجسته‌کردن اهمیت قراردادهای رایج حاکم بر شیوه‌ارائه مباحث یا مضامین مربوط به متن برای فهم و بازیابی نیت مؤلف می‌گوید:

برقرارساختن نزدیک‌ترین هم‌بستگی ممکن میان نیت‌های نویسندگان و معانی متن‌هایشان ظاهراً امکان‌پذیر است؛ زیرا چنین می‌نماید که داشتن شناختی درباره نیت‌های نویسنده‌ای که در جریان نگارش، در مفهومی که من کوشیده‌ام به‌طور جداگانه بررسی کنم، نه فقط با شناختی از 'معنای شماره ۳' درباره آن‌چه او می‌نویسد مرتبط و مناسب است، بلکه معادل با آن است (همان: ۱۷۹).

هرچند این فرض را نباید نادیده گرفت که ممکن است نویسنده‌ای به نیت‌های خود کاملاً وقوف نیافته باشد یا صلاحیتی در بیان آن‌ها نداشته باشد.

از دیدگاه اسکینر، آشنایی با گذشته می‌تواند ما را یاری دهد تا بفهمیم که ارزش‌های تجسم‌یافته در شیوه زندگی کنونی ما و شیوه‌های اندیشیدن کنونی ما درباره آن ارزش‌ها تا چه حد منعکس‌کننده مجموعه‌ای از گزینش‌هایی است که در زمان‌های گوناگون میان جهان‌های ممکن گوناگون صورت پذیرفته‌اند و برخلاف تصور کارکرد و نقش آن‌ها متحول شده است. چنان‌که برای مثال شاهد بوده‌ایم که واژه میهن‌دوست (patriot) در طول قرن هجدهم در انگلستان بر «آشوب‌گر حکومت‌برانداز» (factious disturber of the government) دلالت داشت، اما با پذیرش تدریجی سیاست‌ورزی حزبی، این کاربرد سرزنش‌آمیز روبه تضعیف نهاد و بار معنایی تحسین‌آمیزی یافت (اسکینر ۱۳۹۳: ۲۸۴-۲۸۵). اسکینر با بهره‌گرفتن از ویتگنشتاین قائل به این است که ممکن نیست تاریخچه‌ای از اندیشه واحد به معنی دقیق کلمه وجود داشته باشد؛ جز تاریخچه‌ای از کاربردهای گوناگونی که کنش‌گران مختلف در زمان‌های مختلف برای آن‌ها در نظر داشته‌اند. مفاهیم نه تنها در طول زمان تغییر می‌کنند، بلکه نمی‌توانند چیزی جز یک رشته چشم‌اندازهای تغییرپذیر درباره جهانی فراهم

آورند که در آن به‌سر می‌بریم (همان: ۲۹۶-۲۹۷). این ایده را متفکرانی نظیر «آرتور لاجوی» (Arthur Lovejoy) و «کارل اشمیت» (Carl Schmitt) به‌چالش کشیده‌اند که معتقدند که در زیر سطح مناظره ایدئولوژیک همواره حیطه‌ای از «اندیشه واحد» (unit ideas) جاودانی و تغییرناپذیر وجود دارد که نگارنده تاریخ اندیشه باید آن را آشکار سازد و سرچشمه‌اش را جست‌وجو کند. در تلقی اشمیت، تأکید می‌شود که مفاهیم جدید شکل تحول‌یافته آن‌ها از الهیات به نظریه سیاسی (political theory) و بیان‌گر سنخ‌شناسی‌های دوگانه از موقعیت‌ها (dualistic typology of situations) است. بنابراین، اگر در دوران مدرن از مفهوم دولت یا قدرت سخن گفته می‌شود، این تعابیر در دوران گذشته هم مطرح بوده است و صرف‌نظر از بُعد الهیاتی یا نظریه‌ای این تلقی‌ها در موقعیت‌های مختلف همه وجوه قدرت را دربر می‌گیرد (Blumenburg and Wallace 1983: 94). به‌تعبیر بهتر، چنین فرض می‌شود که همه مفاهیم برجسته دولت مدرن که زمینه الهیاتی داشتند، عرفی شدند و «فرمول‌های حقوق قدرت مطلقه دولت، به‌واقع، عرفی‌سازی فرمول‌های الهیاتی قدرت مطلقه خداوند است» (اشمیت ۱۳۹۲: ۶۷).

۴. نتیجه‌گیری

روند روبه رشد علم و اهمیت یافتن جایگاه تفکر انتقادی در کشور ضرورت مستندسازی فکری و ارائه چهارچوب قاعده‌مند و مکتوبی برای بحث و تبادل‌نظر در قالب مناظره‌های فکری، انتقال دانش، و تجربیات علمی از طریق ارائه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و مهم‌تر از همه ایجاد زمینه‌های نقد، ارتقا، و هم‌افزایی علمی موجب شده است که اهمیت نگارش مقاله انتقادی بیش از هر زمان دیگری آشکار شود. اهمیت بحث زمانی بیش‌تر می‌شود که قواعد و ظرفیت‌های شناختی، روش‌ها، و ابزارهای فرایند شناخت معیارهای اعتبار دانش علمی (scientific knowledge validity) در آثار موجود مطالعه شود که کتاب بینش‌های علم سیاست یکی از آن‌هاست.

اهمیت کتاب بینش‌های علم سیاست: درباب روش در این است که می‌تواند شیوه خوانش و تفسیر متون تاریخی را درون بافت فکری و چهارچوب گفتمانی‌ای که شکل گرفته‌اند برای ما توضیح دهد. و به‌جای آن‌که تمرکز خود را بر این بگذاریم که متن چه معنایی دارد، باید تلاش کنیم تا دریابیم که متن چه آثار و پی‌آمدهایی داشته است. بنابراین، اندیشه‌ها معانی اجتماعی و برساخته‌هایی برآمده از موقعیت‌هایی خاص هستند که، به‌مثابه

نوعی کردار و کنش زبانی، روش‌هایی از درک و تفاهم جمعی را پیش‌روی افراد می‌گذارند. از این‌رو، اندیشه سیاسی را باید در ارتباط با سازوکارهای خاطرات جمعی، سیاست‌های نمادی، نظام نشانه‌ها و رموزها و نمادها، و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی هر جامعه تحلیل کرد. اهمیت بحث در این‌باره چنان است که اگر نتوانیم آثار و جریان‌های فکری بزرگ را به‌صورتی موقعیت‌مند درک کنیم، امکان فهم زمینه‌های فکری و نحوه شکل‌گیری ساختارهای فکری را نخواهیم داشت. مطالعه این کتاب می‌تواند برای علاقه‌مندان به حوزه روش‌شناسی و نظریه سیاسی مفید باشد.

کتاب‌نامه

- اسپکتور، سلین (۱۳۸۲)، قدرت و حاکمیت در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر نی.
- اسکینر، کوئنتین (۱۳۹۳)، بینش‌های علم سیاست: دریاب روش، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگ جاوید.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۲)، مفهوم امر سیاسی، ترجمه سهیل صفاری، تهران: نگاه معاصر.
- برگر، پیتر و توماس لوکمان (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای دریاب جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۷)، ماکیاوولی و اندیشه رنسانس، تهران: نشر مرکز.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۹۰)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فورن، جان (۱۳۸۲)، نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- مرتضوی، سیدخدایار (۱۳۸۶)، «تبیین روش‌شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئنتین اسکینر»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۳، ش ۱.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۵)، «واقع‌گرایی سیاسی در آینه سیاست‌نامه‌نویسی بازخوانی اندیشه سیاسی ماکیاوولی و خواجه نظام‌الملک طوسی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۳۰۴.
- وینچ، پیتر (۱۳۷۲)، ایاده علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه، ترجمه سمت، تهران: سمت.

Blumenburg, Hans and Robert M. Wallace (1983), *The Legitimacy of the Modern Age (Studies in Contemporary German Social Thought)*, Cambridge: the M.I.T Press.

Brown. Gillian and George Yule (1983), *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.

نقد و بررسی کتاب درک بینش‌های روش‌شناختی در علم سیاست (علی‌اشرف نظری) ۳۹۳

Mazur, Amy G. and Gary Goertz (eds.) (2008), *Politics, Gender and Concepts: Theory and Methodology*, Cambridge: Cambridge University Press.

White, Stephen K. and J. Donald Moon (2004), *What Is Political Theory?* London: Sage Publications.

<<http://www.independent.co.uk/arts-entertainment/books/reviews/visions-of-politics-three-volumes-by-quentin-skinner-135936.html>>.

<<http://www.balzan.org/en/prizewinners/quentin-skinner>>.